

سیدمحمدصادق خرازی، سفیر اسبق ایران در سازمان ملل و فرانسه در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

تحول خیلی بزرگی در پسا کرونا نمی بینم

کرونا می تواند یک حکمرانی هوشمند در ایران به وجود بیاورد

نگاه فرصت‌محور به پاندمی کرونا، گزاره اصلی تحلیل «سیدمحمدصادق خرازی» از شرایط فعلی است. مشاور ارشد رئیس‌جمهور در دولت اصلاحات تأکید دارد که عمل‌گرایانه می‌اندیشد؛ ازاین‌رو هم این نگاه که کرونا جهان را کاملا تغییر دهد، انتزاعی می‌خواند و هم تأثیرات کرونا بر برخی امور جهان ازجمله روند جهانی شدن و روابط میان کشورهایی چون آمریکا و اروپا را بدیهی و غیرقابل کتمان می‌داند. سفیر اسبق کشورمان در فرانسه معتقد است کرونا می‌تواند یک حکمرانی هوشمند را در ایران به‌وجود بیاورد، اگرچه دولت را فاقد چنین تصمیم‌سازی‌ای می‌داند. معاون



یک فضیلت و ارزشی در جهان جدید صحبت می‌کند. این به این معناست که ویروس کرونا تحولات بزرگی در خانواده بشری به‌وجود آورده و تأثیرات بسیار تعیین‌کننده‌ای را در تقویت و یا تضعیف روندهای موجود جهان ایجاد کرده است. به‌عنوان مثال ناسیونالیسم و دولت‌های ملی یکی از این تأثیرات است، لیبرالیسم، اقتصاد باز و آزاد از دیگر مواردی هستند که با شیوع ویروس کرونا تحت‌تأثیر قرار خواهند گرفت.

کرونا چه اثراتی را به مقوله جهانی شدن یا به‌عبارتی

Globalization، تحمیل خواهد کرد؟ اگر به نظر شما در این زمینه اثرگذار است، آیا کرونا می‌تواند روند جهانی شدن را سست و یا محکم و قدرتمند کند؟ آنچه شاهد هستیم درحقیقت قطع واقعی زنجیره‌های تولید جهانی و ایجاد بحران‌های جدی در اقتصاد جهانی است. ما با روندهای ملی‌گرایانه‌ای روبه‌رو هستیم که قبلا این‌گونه نبوده است. تمام دنیا که مرزها را دربرابر هم فروخته بودند، این‌بار مرزها را بدون هماهنگی روی هم بستند! هرگز چنین اتفاقی تا بحال در دنیا رخ نداده بود. چگونه می‌شود که نگاه‌های ملی در منطقه‌گرایی (Regionalism) به‌صورت دوجانبه تأثیر خود را از دست داده و مناسبات دوجانبه بار دیگر در جهان امروز برخورد و نمود دیگری پیدا کرده‌اند. به یک مثال ساده توجه کنید، بحث کاهش کربن در جهان امروز که درواقع به‌دلیل استفاده کم ماشین‌ها از انرژی است، به مصالح ملت‌ها بوده یا نبوده است؟ کاهش استفاده‌های منابع ملی و کشوری نشان می‌دهد، کشورها چگونه در این موضوع از نعم مختلف برخوردار شدند. ازاین‌رو آن جنگ اقتصادی و تجاری و موضوع جهانی شدن اقتصاد با روند کرونا و در پساکرونا با بحران جدی روبه‌رو شده است، چراکه جهان با فرصت‌های جدیدی روبه‌رو می‌شود.

در چنین شرایطی و با توجه به وضع موجود، فرصت‌های جدید پیش‌روی کشورهای جهان و ازجمله ایران چیست؟

یکی از فرصت‌هایی که در جهان جدید وجود دارد اقتصاد دیجیتال است. هوش مصنوعی یکی دیگر از این فرصت‌هاست. به این معنا که درحال‌حاضر اقتصاد دیجیتالی و هوش مصنوعی دارند اقتصاد جهان را بازتعریف می‌کنند. فرصت دیگر واقعیت‌آینده جهان مجازی است. به‌عبارتی که این سه عنصر، اقتصاد دیجیتال، دیگری هوش مصنوعی و دیگری واقعیت‌های آینده جهان مجازی، مهم‌ترین فرصت‌ها و پدیده‌های جهان پساکرونا هستند. اینها فرصت‌های جدید دربرابر کشورها ازجمله ایران هستند. کشوری نمی‌تواند بگوید فرصت من از کشور دیگر بهتر و بیشتر است. همه در موقعیت مساوی در پساکرونا قرار داریم، البته به اندازه‌ای که کشورها در این سه عنصر سرمایه‌گذاری کرده‌اند. تجارت منطقه‌ای دیگر آن ظرفیت‌های گذشته خود را نخواهد داشت. تجارت‌های منطقه‌ای براساس همین سه عنصر و مشخصه‌ای که به شما عرض کردم، روی خواهد داد. در این میان آنچه مهم است و حوادثی که ما را نگران می‌کند، برخی مسائل اقتصادی است که در تأمین معاش و غذای روزانه مردم می‌تواند اثر داشته باشد. همانند اتفاقاتی چون حطقی که در سال ۱۳۷۰، ۱۹۲۰ و... تجربه آن را داشتیم. لذا کرونا هم برای بشریت فرصت‌ها و ظرفیت‌های جدیدی ایجاد کرده و باعث تحولات مهمی در جهان شده و هم به‌دلیل برخورداری از تکنولوژی، عوارض ناشی از آن را کاهش داده است؛ مانند تشعشعاتی که در جهان بود، تغییر روند جهانی شدن و ناسیونالیسم و... اینها مسائلی است که در جهان پساکرونا با تغییرات مواجه شده است. نکته دیگر اینکه هنوز نمی‌توانم بگویم فقر مردم و فساد بیشتر در قدرت و تضعیف مردم، تقویت نخبگان و بحث چندجانبه‌گرایی

و بحث‌های مهم بین‌المللی و موارد اینچنینی که خیلی‌ها بیان می‌کنند، هنوز در اثرات کرونا وجود دارد یا ندارد. آنچه مهم است اینکه هنوز شورای امنیت با آن همه بزرگی و به‌عبارتی بدبیه و کبکیه نتوانست یک بیانیه و قطعنامه درباره این بحران بدهد. این نشان می‌دهد سازوکارهای بین‌المللی در زمان بحران فاقد تصمیم‌گیری در کاهش و مدیریت بحران هستند. اینها را باید خودمان بدانیم و بدانیم کجا قرار گرفته‌ایم و بعد براساس آن بتوانیم اثرات کرونا را بررسی کنیم.

آیا کرونا می‌تواند یک تاثیر پایدار (مثبت یا منفی) روی موقعیت کشور ما در سطح منطقه‌ای و جهانی بگذارد؟

به توان ملی و تأثیرگذاری ما بستگی دارد. در این خصوص در داخل کشور هم نظرات مختلفی وجود دارد؛ برخی کرونا را یک تراژدی برای فرصت‌های جدید تلقی کردند و معتقدند کرونا مولفه‌های مهمی را در زمینه ارتباطات به وجود آورده است. برخی می‌گویند این فرصت جدید، فرصت مهمی است که با همه کشورهایی که دچار مشکل هستند، دیالوگ جدیدی برقرار کنیم و بتوانیم از آن استفاده کنیم. از سوی دیگر برخی اصرار دارند که کرونا را یک فرصت نمی‌بینند و معتقد هستند کرونا فرصت نیست، یک واقعه و اتفاق جهانی است که می‌آید و می‌رود و جهان به فضای پیشین خود بازمی‌گردد، قدرتمندان با قدرت فعالیت‌های خود و کشورهای ضعیف با ضعف خود مسائل را دنبال می‌کنند. منتهی توصیه می‌کنند از این فضای گذرایی که کرونا ایجاد کرده به‌عنوان یک ابر بهاری استفاده کنیم و مسائل ایران و مشکلات موجود را حل کنیم، هم مشکلات بین‌المللی که برای ایران به وجود آوردند و هم بحران‌هایی که برخی مدعی هستند با وجود آنها می‌توان نگران بود و تهدیدات امنیت ملی را در آن مستتر کرد. بنابراین کرونا ابعاد مختلفی دارد.

شما جزء کدام دسته از نظرات هستید؟ کرونا را برای جمهوری اسلامی ایران، به چشم یک فرصت می‌بینید یا تهدید؟

من هنوز به جمع‌بندی نرسیده‌ام و واقعا نمی‌توانم بگویم کرونا فرصت است یا تهدید؟ کرونا ما را به سمت گذشته یا به سمت آینده می‌برد. البته گرایش من درکل بیشتر به این دیدگاه است و معتقدم دوره کرونا تمام می‌شود و همانند خیلی از بلایا و مشکلات دیگر برخی روندها را کند و برخی واقعیت‌ها را جدی‌تر می‌کند و جهان همانند گذشته کار خود را انجام می‌دهد. من خیلی تحول عظیم و شگرفی که بتواند زندگی انسان و جهان را در نازعه خودش تحت‌تأثیر قرار دهد، قبول ندارم. اتفاقی است که می‌آید و می‌رود و ۲۰۰۳-۲۰۰۴ هزار نفر را می‌کشد. اگر ما سونامی که در سال ۲۰۰۴-۲۰۰۳ آمد و نزدیک به ۳۰۰۰۴۰۰ هزار نفر کشته شدند، جهان تغییری کرد؟ بدیهی است که یک‌سری معادلات عوض می‌شود و تغییراتی در روابط بین‌ملت‌ها و دولت‌ها به وجود می‌آید، یک‌سری اتفاقات در نهادهای اقتصادی جهانی شکل می‌گیرد؛ اینها درست است ولی اینکه ما تصور کنیم کرونا جهان را کاملا تغییر می‌دهد، درست نیست و به نظر من یک نوع نگاه انتزاعی است.

این صحبت شما، اثرگذاری سیاسی محسوس پاندمی کرونا روی مسائل مختلف جهانی ازجمله روند جهانی شدن که اشاره داشتید یا تغییر شرایط روابط بین‌الملل و روابط برخی کشورها ازجمله اتحادیه اروپا را نقض می‌کند؟ خیر. اتفاقا سه عنصر اصلی در کلیت آمریکا و اروپا به‌واسطه ماجرای پاندمی کرونا می‌بینم. اول اینکه آسیب‌پذیری آمریکا را نشان داد و اینکه آنها خیلی آسیب‌پذیرتر از این حرف‌ها که مدعی بودند، هستند. نشان داد آمریکایی‌ها نتوانستند

اقدامات اثرگذاری برای هم‌بیمانان استراتژیک خود داشته باشند. البته این به سازوکارهای جهانی آمریکا، اروپا و ناتو حتما ضربه می‌زند. ولی این را که تصور کنیم کلیت جهان کاملا تغییر پیدا می‌کند درست نمی‌دانم. با این حال معتقد هستم کرونا سازوکارها و فرصت‌های جدیدی برای ایران به وجود آورده است. به‌عنوان مثال اینکه سیاست خارجه ما می‌تواند در این دوران، در یک شرایط بسیار استثنائی به آینده نگاه کند و در شرایط جدید آینده‌گام‌های بسیار محکمی را بردارد و به سمت خوبی پیش برود. معتقد هستم کرونا می‌تواند یک حکمرانی هوشمند را در ایران به وجود بیاورد. اگرچه خودم و بسیاری از مردم چنین باوری را نداریم یعنی معتقد هستیم دولت فاقد چنین تصمیم‌سازی‌ای است که بتواند یک حکمرانی و کنش جدی بین مردم و دولت به وجود بیاورد. کرونا می‌تواند یک موقعیت تاریخی برای ما پدید بیاورد که بتوانیم در مواردی همچون امنیت سلامت، ایجاد صلح در برابر جنگ و ترور، تروریسم و خشونت ادبیات‌سازی و تولید مفاهیم کنیم و ترمینولوژی‌های جدیدی را در دنیای جدید عرضه کنیم و از این طریق یک بستر امنیت هوشمند جهانی که سلامت جدی مردم جهان هست را در ادبیات خود ترسیم کنیم. ولی نمی‌دانم آیا تابه‌حال نهادهای اندیشه‌ساز و فکرساز به این مقوله فکر کرده‌اند یا خیر. یکی از اتفاقات خوب و مبارکی که صورت گرفته همین پوشش جهانی ایران دربرابر تحریم است که حرکت بسیار مهمی است و دارد جواب هم می‌دهد. شاید شما بگویید ۱۰ درصد جواب نمی‌دهد، حتی اگر پنج درصد هم جواب بدهد مهم است. این پوشش جهانی درمقابل تحریم نشان‌دهنده نوآوری و ابتکار عمل است. ما امروز نیازمند ابتکار عمل و خلاقیت در مواجهه با پدیده‌های اینچنینی هستیم. اگر بتوانیم هوشمندسازی و ظرفیت‌سازی کرده و از این موقعیت ویژه استفاده کنیم، می‌توانیم از کروناویروسی که کل موجودی آن را در عالم روی هم بگذارید چند گرمی بیشتر نمی‌شود، تحولات مثبتی به وجود بیاوریم که دیگران به وجود نیاوردند.

در لایه‌لای بحث به تغییرات ناشی از کرونا در لیبرالیسم اشاره کردید. یکی از تئوری‌های مهم لیبرالیسم که همواره مورد تأکید نئولیبرال‌ها بوده بحث‌های مربوط به دولت حداقلی است که به نظر می‌رسد با پاندمی کرونا دچار تغییرات شده و یا خدشه جدی مواجه شده است.

من در این زمینه خیلی کار نکرده‌ام. نمی‌توانم درصود دولت حداقلی صحبت کنیم، چون در منطقه ما اقتدار و دولت مقتدر وجود دارد و آنچه بدیهی است این است که در منطقه ما ثبات، پیروزی و رسیدن به توسعه پایدار را ایجاد دولت-ملت مقتدر است. من هنوز مفهوم این دولت‌های کوچک را نمی‌فهمم. من عمل‌گرایانه‌تر می‌اندیشم. به‌عنوان یک فرد بی‌آنکه سعی داشته باشم، معتقد هستم و باور دارم، نیازمند دیپلماسی هوشمند در منطقه هستیم. باید تلاش کنیم ضعف‌های گذشته را در دو طرف جبران کنیم. پیام‌های جدی را در مفهوم قدرت دیپلماسی خود به کشورهای منطقه بدهیم و ابتکاراتی در صلح و امنیت به کار ببریم. این ابتکارات شاید در جاهایی در دنیای بده‌بستان‌ی که وجود دارد، تأثیر خود را داشته باشد اما سیاست و استراتژی سیاسی جدیدی می‌تواند بین‌کننده این باشد که در برابر هژمونی قدرت‌های جهانی با ابتکار عمل‌های منطقه‌ای بتوانیم تلاش‌های مضاعف کنیم آنچه واقعا مهم است، این است که کرونا می‌تواند فرصت‌ها و موقعیت‌های خوبی را درمقابل ملت‌ها قرار دهد؛ فرصت بازسازی مناسبات منطقه‌ای، مناسبات دوجانبه، مناسبات بین‌المللی، مهار بحران‌ها، پرهیز از بحران‌های جدید، توصیه بر اینکه بحران‌ها با مدیریت قابل کنترل هستند. باید بر همکاری‌های بین‌المللی برای توسعه و هم‌افزایی‌های

محتوا را می‌توانید در کانال تلگرامی ما دنبال کنید

بین‌المللی در دنیای بعد از کرونا تأکید کرد، به این معنا که نشان دهیم امروز ایران موفق عمل کرده است. می‌توان در همه عرصه‌های موجود کار کرد. به‌طور مثال در جهان اسلام به‌عنوان یکی از کشورهای مهم اسلامی زندگی می‌کنیم. باید کلیدواژه‌هایی خلق کنیم که در عرصه‌های مختلف کارآمد باشند. به‌عنوان مثال در نسبت بین سلامت و دین از دیدگاه متفکران، کرونا نشان داد رجحان بر سلامت مردمان کشور است. در یک کشوری که مدعی کشور دینی است، در رجحان بین دین و سلامت و درواقع رجحان بین مراسم دینی و سلامت حاکمان سلامت را انتخاب می‌کنند. می‌توانستند طور دیگری انتخاب کنند. در اینجاست که باید تفکرات خود را به‌گونه‌ای بارگذاری کنیم که جهان در برابر تئوری‌ها و نظریه‌های جدید از آن حالت انفعالی خارج شود. ما به یک دیپلماسی فعال نیاز داریم که تقویت همکاری‌های جدی منطقه‌ای باشد. دیپلماسی نرم و دیپلماسی امید یک ضرورت عینی است و ایرانی‌ها می‌توانند از پاندمی کرونا به‌عنوان یک فرصت برای بازسازی موقعیت خود استفاده کنند. ما می‌توانیم به‌صورت مثبت و درک مشکلات در حوزه‌های جدیدی که وجود دارد، دستگاه دیپلماسی خود را از یک موقعیت دیپلماسی مهم و بااهمیت برخوردار کنیم. می‌توانیم مجموعه تلاش‌ها و نگاه ایرانی را در مدیریت بحران‌ها، به ترمینولوژی در جهان جدید تبدیل کنیم. می‌توانیم کلیدواژه‌هایی را برای عرضه دیدگاه‌های خود خلق کنیم. همان‌طور که اشاره داشتیم اعتماد ملی مردم، اعتماد جهانی، سلامت، تجارب تاریخی و... وجود دارد. از همین مساله کرونا می‌توان سلامت و اعتماد ملی و جهانی را به وجود آورد و با پدیده‌های بحران واقعا مبارزه کرد.

بی‌اعتمادی و تردیدهای بین انسان‌ها و خودتردیدی، بی‌اعتمادی به دولت‌ها، بی‌اعتمادی به مذاهب، بی‌اعتمادی به کلیت جهان پر از مشکل امروز، واقعیت‌هایی است که با تدبیر قابل‌بهره‌برداری مثبت است؛ پیامدهایی که بحران کرونا در الهیات داشته، مشکلاتی را به وجود آورده و بینبند حرکت انسان به‌منزله تفکر یک انسان و نگاه ایرانی‌ها و مذهبی‌ها تا چه اندازه می‌تواند در همین حوزه الهیات تأثیرات مثبت داشته باشد. اینها می‌تواند تقویت شود و بی‌اعتمادی مردم منطقه‌ای را تبدیل به یک اعتماد مضاعف و همه‌جانبه در مرادوات بین‌المللی کند. حالا اینکه متفکران ما کجای کار قرار گرفته‌اند و امنای جهان چگونه فکر می‌کنند یا اولویت‌های کشورها چگونه است، بحث‌های دیگری است که به نظر من می‌طلبد یک کار کارشناسی اساسی در زمینه آن انجام شود.

اخیرا جمهوری اسلامی ایران توانست اولین ماهواره نظامی خود با عنوان نورا ۱ را با موفقیت در مدار ۴۲۵ کیلومتری زمین قرار دهد. این پرتاب موفقیت‌آمیز در شرایطی که همه کشورها درگیر بحران ناشی از کرونا هستند می‌تواند برای ما ظرفیت بیشتری در فرصت‌ها ایجاد کند؟

نظام هوشمند مدیریت، نظام برخوردار از هوش مصنوعی و جهان مجازی، طراحی‌های تکنولوژیک و زندگی در پناه تکنولوژی، نشان دادن قدرت موقعیت ایران، همکاری و داشتن ایده برای صلح‌آمیز بودن طرح‌های ایران نکاتی است که همه در موفقیت پرتاب ماهواره نور می‌کنجد. اقدام بسیار اساسی، ارزشمند و عظیم برادران سپاه در اهداف جهانی خود دارای یک پیام بود، علاوه‌برآن در اهداف منطقه‌ای و اهداف ملی هم دارای پیام بود. به‌عبارتی دیگر در هر سه حوزه برخوردار از یک پیام ویژه و یک موقعیت ویژه خاص بود. این نشان می‌دهد جهان دیگر آن جهان شیشه‌ای نیست که اگر ترک بردارد، فقط یک عدد آسیب بینند بلکه جهان شیشه‌ای شده است که همه در این شیشه قرار گرفته‌اند و اگر جایی ترک بردارد همه آسیب می‌بینند.

به نظر من ما کشوری هستیم که از روز اول تلاش مضاعف داشتیم، متفکران، صاحب‌نظران، اندیشه‌سازان و تصمیم‌گیران ما باید به اولویت‌های ایران امروز بیشتر فکر کنند. اولویت‌های ایران امروز تغییر کرده است. اولویت‌های ایران امروز با اولویت‌های گذشته کاملا متفاوت است و ما دربرابر مکاتب فکری قبلی نمی‌توانیم همانند قبل فکر کنیم. هم سوسیالیسم، هم ناسیونالیسم، هم کاپیتالیسم و هم لیبرالیسم همه برخوردار از یک منطق دیگر در حکمرانی خود خواهند شد. ما هم به‌عنوان یک نظام سیاسی مبتنی‌بر رای مردم و مبتنی‌بر آرمان‌ها و ارزش‌ها که کشور آرمان‌ها هستیم باید بینیم کجا قرار گرفته‌ایم. حفظ سلامت مردم، حفظ انسان امروز، توسعه اقتصادی و اجتماعی مردم، حفظ دین مردم در کجا قرار گرفته و ابتکارات مردم را در کدام فیلدها باید بیشتر تقویت کنیم و کار جدی انجام دهیم. واقعا یکی از مسائلی مهمی که داریم این است که جهان آلوده شده، کل آل‌وگاز جهان تلخ است و ما سرزنشیان حادثه‌ساز کل این عالم خلقت هستیم. از هیچ مرگی نباید راضی باشیم و در هر حادثه‌ای باید دقت کنیم. از همه مهم‌تر چون سرزنشیان کل کره زمین هستیم، درد و آلام‌مان باید جهانی باشد تا برای رفع مشکلات مردم به یکدیگر کمک کنیم. این توفیق برادران سپاه و پرتاب موفق ماهواره نور می‌تواند در این راستا تعریف شود.